

MONARCHY ACT2: OFFICIAL VS UNOFFICIAL

<http://www.ghandchi.com/331-MonarchyAct2-plus.htm>

سلطنت پرده دوم-رسمی در برابر غیر رسمی

سام قندچی

من در جنبش دموکراسی خواهی ایران، یکی از اولین کسانی هستم، که با وجود آنکه در گذشته مورد حمله [ساواک](#) شاه قرار گرفتم، به رضا پهلوی و سلطنت طلبان، امکان صادق بودن را دادم، و در 11 ماه مه 2002 در نوشته [دفاع از رضا پهلوی](#) از گفتارهای رضا پهلوی درباره حقوق بشر بعنوان فراخوان راستین دفاع کردم. و در 19 آوریل 2003، حتی در [پرنس رضا پهلوی بایستی کنفرانس قانون اساسی را فراخواند](#)، نوشتم، که اگر رضا پهلوی از سلطنت [*abdicate*](#) دهد، وی میتواند کاندیدی برای فراخواندن کنفرانس قانون اساسی آینده شود.

پس از مدتی، ملاحظه کردم که رضا پهلوی هیچ قصدی برای [*استعفا*](#) از مقام سلطنت ندارد، و او میخواهد که نقش دوگانه شاه آینده و شهروند عادی را ادامه دهد. من بعد از 18 تیر پارسال نوشتم، وقتی بخش های اصلی جنبش دموکراسی خواهی ایران از وی خواستند یکی از دو نقش را برگزیند، و اینکه وی از موضوع بحث طفره رفت، اساساً نقش دوم را از دست داد، و به سطح رویالیست های فرانسه تقلیل یافت، که هنوز پس از 200 سال به احیای سلطنت مشغولند. البته این حق مسلم وی بود که چنین کند، اما من پس از آزمون، از بحث درباره رضا پهلوی صرف نظر کردم. فقط برخی اوقات، درباره حملات و تهدیدهای برخی سلطنت طلبان که به رضا پهلوی، بر علیه جنبش دموکراسی خواهی انجام میشد، به وی یادآوری میکردم، و فکر میکردم که وی ساده است، و مشغول تکرار نقش دوگانه، و تصور میکردم که این تهدیدها و حملات، از طرف افراد خودسر سلطنت طلب انجام میشود، و من در این مورد بارها در [مقالات](#) بروشنی نوشتم، تا که وی از این موضوع مطلع شود. و من جمع بندی خود را از سلطنت ایران در [افسانه سلطنت دموکراتیک برای ایران](#) به تفصیل نوشتم.

در یکی دو ماه اخیر، من متقاعد شده ام که اعمال طرفداران رضا پهلوی، عملکرد افراد خود سر نیست، و اینکه رضا پهلوی و سلطنت طلبان ایران نقشه روشنی برای نابود کردن جنبش دموکراسی خواهی ایران دارند، و میخواهند که با کمک آمریکا و روحانیت در ایران بقدرت بازگردند. نقشه سلطنت طلبان این است که بطور [*رسمی*](#) رضا پهلوی با "امروز فقط اتحاد" فراخوان دهد، و با دخالت آمریکا در ایران مخالفت کند، و بطور [*غیر رسمی*](#) مافیای سلطنت طلبان سعی در بی اعتبار کردن رهبران جنبش دموکراسی خواهی، و سعی در ترغیب آمریکا به تجاوز به ایران کنند.

اساساً سلطنت طلبان ممنون دار جمهوری اسلامی هستند که نیروهای چپ را در 1360 و 1367 قتل عام کرد. همانگونه که قبلاً در مقالات دیگر توضیح دادم، جنبش ترقی خواهانه ایران، در گذشته اساساً چپ بود، و تار و مار کردن چپ، به معنی تار و مار کردن جنبش دموکراتیک مردمی در ایران بود، سلطنت طلبان از هیستری ضد کمونیستی در گذشته، و حال برای نابودی جنبش مردمی استفاده کرده اند، چه در زمان شاه و چه در زمان جمهوری اسلامی، و کماکان هم حالا که در اپوزیسیون هستند چنین عمل میکنند.

سلطنت طلبان اکنون مشغول حمله به تمام نیروها و شخصیت های جنبش مردمی در خارج، با زنده کردن تعصب های ضد کمونیستی زمان شاه هستند. من خود منقد کمونیسم هستم، چرا که با اقتصاد دولتی و دیکتاتوری کشورهای کمونیستی مخالفم، اما من تفتیش عقاید از کمونیست ها را محکوم میکنم، که نکته اصلی تعصب ضد کمونیستی زمان شاه، جمهوری اسلامی، و سلطنت طلبان امروز است. زمانیکه امثال شعبان بی مخ، در مصاحبه اش اذعان میکند، فلسفی را بر روی منبر حمایت میکرده است، و وقتی فلسفی در بالای منبر میگفت، "کمون" یعنی خدا و "نیست" یعنی نیست، تا عوام را ضد چپ ها برانگیزد.

همچنین، سلطنت طلبان، در میان بازمانده جنبش مردمی ایران، مجاهدین را نیروی قوی و واقعی میبینند، و آنها امیدوار بودند که مجاهدین از طریق حمله آمریکا به عراق نابود شوند، و باصطلاح سلطنت بلا منازع شود. من منقذ **مجاهدین** هستم، چرا که من خواهان دموکراتیزه کردن سازمان آنها هستم، و حتی اگر همکاری آنها با صدام در زمان جنگ ایران و عراق را فراموش کنیم، من انتظار دارم آنها همه حمله های خود به نیروها و شخصیت های جنبش دموکراسی خواهی ایران را پایان دهند. اما من مردمی که به مجاهدین، چه در زمان شاه و چه در زمان جمهوری اسلامی، پیوستند را، انسانهای پاک می دانم، که خواهان دموکراسی و آزادی بوده اند، و من امیدوارم که یا مجاهدین **دموکراتیزه** شود، و یا وقتیکه این اعضا از مجاهدین جدا میشوند، گروه های دموکراتیک خود را بسازند، و نه آنکه به جمهوری اسلامی یا نیروهای مزدور covert آمریکا بی پیوندند.

اما کوشش سلطنت طلبان به سعی در بی اعتبار کردن نیروهای بالا خلاصه نمیشود. مثلاً هر وقت کسی نظیر شیرین عبادی به مثابه شخصیت رهبری کننده مورد توجه خهان قرار میگردد، رضا پهلوی و سلطنت طلبان از یکسو در محافل رسمی* از وی پشتیبانی میکنند، اما از سوی دیگر به طور غیر رسمی* از طریق کانالهایی مثل تلویزیون آزادی، سعی در بی بها کردن وی در چشم ایرانیان و جهانیان میکنند. دوباره بایستی ذکر کنم که من نظر خود را درباره **شیرین عبادی** و اینکه **دموکراسی اسلامی پلورالیسم نیست** نوشته ام، اما نکته من در اینجا درباره برخورد غیر صادقانه سلطنت طلبان است.

اساساً سلطنت طلبان ایران، از یک سو، مثل رضا پهلوی صحبت میکنند، وقتی رسماً* می‌ویند "امروز فقط اتحاد"، ولی از سوی دیگر، بطور غیر رسمی* سخت میکوشند تا جنبش سکولار ایران را نابود کنند. آنها فکر میکنند ملی مذهبی ها تهدید جدی برای قدرت آنها در آینده نیستند، و سعی میکنند آنها را خنثی نگهدارند، زمانیکه در نزدیکی کامل با برخی ملایان طراز اول نظیر حسن خمینی کار کرده، و به آنها قول شرکت در بخشی از قدرت در آینده را میدهند. آنها سعی میکنند جنبش دموکراسی خواهی را، با استفاده از آخوند ها و جمهوری اسلامی، نابود کنند، همانگونه که شاه مسجد را باز گذاشت به امید آنکه ملایان رهبران سکولار را بی اعتبار کنند و جنبش سکولار ایران را نابود نمایند. همچنین از طریق تعصبات ضد کمونیستی نظیر کانال تلویزیونی آزادی که با پول آمریکا پخش میشود، زمانیکه کسانی که آنها کمونیست میخوانند، حتی چپی هم نیستند و آنها هم خوب میدانند، و دلیل اینکارشان، نابود کردن جنبش سکولار ایران است، و سعی میکنند با **بدگویی** از رهبران جنبش به این هدف برسند،

بتازگی سلطنت طلبان در عمل به جبهه ملی، با همین شعار های ضد کمونیستی، حمله میکنند، به این امید که ناسیونالیستهای ضد چپ به صف سلطنت طلبان بپیوندند، و بقیه جبهه ایزوله شود. آنها همه این حملات به جنبش دموکراسی خواهی را از طریق تلویزیون آزادی، و در تالارهای بحث مختلف انجام میدهند، وقتی که نیروهای سکولار مستقل را هدف گرفته، و آنان را کمونیست و امثالهم خطاب میکنند.

سلطنت طلبان در رویای آنند که آنچه خمینی کرد ادامه یابد، و بقیه نیروهای مستقل سکولار طرفدار جنبش دموکراسی خواهی، بوسیله ملایان، جمهوری اسلامی، و یا آمریکا، نابود شوند. مردم ایران اعتمادی به سلطنت طلبان ندارند و پس از تجربه خمینی، ایرانیان آگاهند که به شاه و شیخ در آینده اعتماد نکنند. بازی دو گانه سلطنت طلبان که از سونی میگویند "امروز فقط اتحاد" و از سوی دیگر اپوزیسیون ایران را با تعصبات ضد کمونیستی مورد حمله قرار میدهند، در تلویزیون آزادی و جاهای دیگر، تنها به ایرانیان این حقیقت را ثابت میکند، که حتی به گفتارهای سلطنت طلبان درباره دفاع از حقوق بشر هم شک کنند.

رضا پهلوی با نوه خمینی همکاری کرده به این امید که بخشی از روحانیت ایران سلطنت را بازگرداند، و آنکه سلطنت در آینده، کار "خوب" آنها را برای کشتن جنبش دموکراتیک ایران پاداش دهد، آنچه آنها چپ مینامند، یا خرابکار.

واقعیت آن است که همه آنچه جمهوری اسلامی کرده است، جاده را برای برای بازگشت بلا منازع سلطنت به قدرت، باز نکرده است، آنگونه که سلطنت طلبان توهم دارند. جمهوری اسلامی فقط به اپوزیسیون کمک کرد، تا از ایدئولوژی های مکتبی بیرون آید، و کمبود های خود را در عرصه های دموکراسی و ترقی در یابد، و برای دموکراسی همه جا

گیر، و برنامه ای آینده نگرانه بکوشد. مضافاً آنکه جنبش دموکراسی خواهی ایرانیان هم از نظر کمی و هم از نظر بلوغ سیاسی رشد بسیار کرده است.

مردم ایران به جنبش دموکراسی خواهی مستقل مردمی اعتماد دارند، و نه به سلطنت طلبان، که در پی بازگشت به قدرتند، تا بیشتر ایران را چپاول کنند، و آنها با امید عدم مقاومت، با تصور آنکه دشمنانشان را جمهوری اسلامی نابود کرده است.

حتی رژیم هائی نظیر عربستان سعودی، از ارثیه سالهای جنگ سرد، که از سوی آمریکا حمایت میشوند، در سرانجام سقوطند، و آمریکا نماینده رژیم دیگری نظیر رژیم شاه به این دولت های بی ثبات اضافه کند، حتی با همه تکرار طرفداری ایرانیان از آمریکا. طرفداری ایرانیان از آمریکا درست است، اما به معنی طرفداری از سلطنت نبوده، بلکه عکس آن است. آینده خاورمیانه دموکراسی و سکولاریسم است و نیروهای نظیر سلطنت طلبان تاریخ هستند. آنانکه در میان سلطنت طلبان دموکرات هستند، و فقط نوشته های فعالین جنبش دموکراسی خواهی که از سلطنت طلبان پشتیبانی میکنند را میخوانند و منتشر میکنند، و آنهایی که جزئی از برنامه سلطنت طلبان برای نابودی جنبش دموکراسی خواهی نیستند، شاید بخواهند ببینند سلطنت سعی در استفاده از همه آنها و همکاریانشان، برای بازگشت به قدرت دارد، وقتی ملایان، ملی مذهبی ها، و جمهوری اسلامی جاده را صاف میکنند، بر روی قبر اپوزیسیون دموکراسی خواه، برای عروج تخیلی پهلوی ها به قدرت، آنها را کمک آمریکا!

این مهم است که اشاره شود جنبش دموکراسی خواهی ایران ضد آمریکائی *نیست* و از جبهه ملی تا چپ تا آینده نگر ها، ما طرفدار دیالوگ *باز* و بدون انقیاد، با آمریکا و دیگر نقاط دنیا هستیم، وقتی چنین گفتگوهائی باز بوده، و استقلال ایران را وجه المصالحه نکنند.

سلطنت طلبان سعی دارند نیروهای دموکراسی خواه را ضد آمریکائی بخوانند، تا از آمریکا برای تجاوز به ایران، برای رسیدن به قدرت استفاده کنند. پس از تجربه عراق، آمریکا میببند که بهترین راه حل برای خاورمیانه، از طریق نیروهای مردمی، درون خود خاورمیانه است، و نه از طریق سلطنت طلبان، که تشنه بدست آوردن مجدد امتیازهای ویژه گذشته اند، و سعی دارند با استفاده از ارتش آمریکا به تاج و تخت بر گردند.

به امید جمهوری آینده نگر، فدرال، دموکراتیک، و سکولار در ایران

سام قندچی، ناشر و سردبیر
ایرانسکوپ

<http://www.iranscope.com>

22 اردیبهشت 1383

2004, 10 May

متن بزبان انگلیسی

<http://www.ghandchi.com/331-MonarchyAct2Eng.htm>

مقالات دیگر مربوط به موضوع

<http://www.ghandchi.com/index-Page3.html>

مقالات تئوریک

<http://www.ghandchi.com>

فهرست مقالات

<http://www.ghandchi.com/SelectedArticles.html>

